

مسائل خاور میانه به خاک فلسطین محدود نمی‌شود

قاسم محبعلی: د دیپلماسی ایران عملگراتر شده است

انتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا برای سومین بار از زمان شروع جنگ غزه، روز جمعه به اسرائیل سفر کرد تا با مقامات اسرائیل دیدار کند. وی سپس به مصر، اردن و قطر سفر خواهد کرد. این سفر در شرایطی برنامه ریزی شده که حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران نیز روز سه شنبه ۹ آبان ماه به قطر و روز چهارشنبه ۱۰ آبان به ترکیه سفر کرد. سفرهای مقامات ایران و ایالات متحده به کشورهای منطقه با محوریت تنش در غزه انجام می‌شود، گرچه بخش عمده صحبت‌های مهم این سفرها پشت درب‌های بسته انجام می‌شود، اما امیرعبداللهیان در نشست‌های مطبوعاتی مختلفی که در جریان سفرهای اخیر خود انجام داده است، عمدتاً بر اهمیت آتش بس در منطقه و لزوم رسیدگی به حقوق مردم غزه تأکید می‌کند. وزیر امور خارجه ایران در نشست خبری مشترک با همتای ترکیه‌ای خود هاکان فیدان گفت: «منطقه به اتخاذ تصمیمی بزرگ و تعیین‌کننده بسیار نزدیک شده است، مسئولیت خارج شدن شرایط منطقه از کنترل همه طرف‌ها، متوجه آمریکا و اسرائیل خواهد بود. یکی از مسائلی که در کنار تلاش برای آتش بس در منطقه مطرح می‌شود، موضوع هراس از توسعه تنش و گسترش آتش جنگ است. این همان موضوعی است که هاکان فیدان در دیدار با امیرعبداللهیان مطرح کرد و گفت: «اگر حملات اسرائیل متوقف نشود، دامنه جنگ در منطقه گسترش می‌یابد علاقه‌مند به همکاری با اتحادیه اروپا در مساله فلسطین هستیم، اما اتحادیه اروپا متأسفانه مخالف آتش بس است. آنها کنار اسرائیل و آمریکا ایستاده‌اند و خواهان ادامه عملیات هوایی اسرائیل هستند که این مساله بحران ایجاد کرده است. آتش بس اگر انجام نشود، گروه‌های دیگر هم وارد جنگ خواهند شد و گسترش جنگ به نفع منطقه نیست. در کنار تلاش‌های دیپلماتیک و گسترده بازنگران سیاسی منطقه در جهت کنترل آتش جنگ و اعلام آتش بس، برخی حملات متقابل دیگر نیز در جریان است. حملات پراکنده شبه نظامیان عراق، سوریه و یمن به مواضع ایالات متحده در خاورمیانه، موضوعی است که با واکنش‌های مقام‌های آمریکایی و ایرانی همراه شده است. اگرچه جویابدن و مقامات کاخ سفید مدعی نقش داشتن ایران در این حملات هستند، اما احمد وحیدی، وزیر کشور ایران می‌گوید: «حملات به آمریکا ناشی به ایران ندارد. مردم کشورهای مسلمان‌کنه‌می‌توانند نسبت به سرنوشت مظلومان فلسطین بی‌تفاوت نباشند و به تعبیر رهبر انقلاب، ممکن است اسلام‌مانان منطقه بی‌تاب شده و براساس احساس مسئولیت خود اقدامی کنند و این اقدام خیلی طبیعی است و هیچ ربطی به ایران ندارد. با توجه به این شرایط، پرش‌هایی مطرح است از جمله اینکه سفرهای مقام‌های ایران و آمریکا به منطقه با چه هدفی انجام می‌شود و آیا احتمال توسعه تنش‌های منطقه‌ای و آتش جنگ به دیگر کشورها وجود دارد یا خیر؟

◀ **رای آتش بس ایران در مجمع عمومی عجبیب‌نود**

یک دیپلمات پیشین ایران در یونان و مالزی درباره مسائل پیرامون جنگ غزه اظهار داشت: دو موضوع درباره جنگ غزه وجود دارد که هم برای ایران و هم برای آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این موضوعات «آتش بس» و دیگری «زادی اسرا» در غزه است. اما یک تفاوت بزرگ

بین خواسته‌های ایران و ایالات متحده وجود دارد، مسئله اول برای آمریکایی‌ها، آزادی زندانی‌هاست و ادامه جنگ تا زمانی خواهد بود که اسرائیل به همه خواسته‌های خود برسد. اما برای کشورهای عرب و ایران آتش بس موضوع اول است و موضوع معاوضه اسرای اسرائیلی با زندانیان فلسطینی در رجه دوم قرار دارد. در حال حاضر ایران، قطر و ترکیه از مواضی مختلف روی همین دیدگاه، اتفاق نظر دارند. اما یکایی‌ها در حال حاضر به دنبال آتش بس نیستند و می‌گویند اسرائیل تا جایی که لازم است دست به خشونت و کشتار بزند و حتی اگر امکان داشته باشد مردم غزه را به مصر منتقل کند و سپس آتش بس اعلام شود. البته آمریکا تأکید دارد، پیش از همه این‌ها، مسأله گروگان‌ها حل شود. قاسم محبعلی گفت: کشورهای عرب، هیچ تمایلی ندارند که مردم غزه ناچار به مهاجرت به صحرای سینا شوند. خواسته ایران نیز همین است که حماس به عنوان یک طرف درگیری، به رسمیت شناخته شود. عدم گسترش جنگ موضوع مهم دیگری است که این روزها در دیدارهای دیپلماتیک و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که توجه کنیم هم‌اکنون یمنی‌ها وارد جنگ شده‌اند و ممکن است طی روزهای اتی لبنانی‌ها نیز وارد جنگ شوند. همه این مسائل به هم مربوطند و می‌توانند محور گفت‌وگوهای مقام‌های ایران و آمریکا در گفت‌وگو با سران کشورهای منطقه باشند. مدیر کل سابق خاورمیانه وزارت امور خارجه بیان کرد: رای مثبت ایران به «آتش بس در غزه» در مجمع عمومی سازمان ملل، رای بی‌سابقه‌ای نبود. در مجمع عمومی معمولاً اکثر آرا به نفع مردم فلسطین است. یعنی یک طرف اکثر کشورهای دنیا قرار دارند و یک طرف آمریکا و اسرائیل و گاهی نیز برخی اروپایی‌ها. اروپایی‌ها نیز اغلب سعی می‌کنند رای متعنت ثبت کنند که جایدارانه بر خورد نکنند. اما آمریکا هم در شورای امنیت و هم در مجمع عمومی سازمان ملل، کنار اسرائیل ایستاده است. بان‌های اصلی قلمنامه مذکور گروه کشورهای عربی بودند.

جعفر قنادباشی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

حماسی تضعیف‌شدنی نیست

◀◀ **حماس از برخی دولت‌های منطقه اثرگذارتر است**

◀◀ **ماشین‌عادی‌سازی روابط با اسرائیل منهدم شده است**

◀◀ **آمریکایی‌ها در برابر هر گروهی در منطقه ناتوانند**

آرمان ملی – احسان اسقایی: بحران و نسل‌کشی در

غزه ادامه دارد و صهیونیست‌ها البته به رغم اینکه از زمین دریا و هوا بر سر مردم بی‌دفاع این باریکه بمب می‌ریزند اما نتوانسته‌اند به اهداف خود یعنی تسخیر غزه و کوچ فلسطینیان از این باریکه دست یابند. به نظر می‌رسد هر مقدار هم که جنگ در غزه ادامه یابد گروه‌های مختلف در کشورهای جهان اقدام به اعتراض علیه صهیونیست‌ها خواهند کرد و هر روز افکار عمومی جهان علیه اسرائیل آشفته‌تر خواهد شد. تمام این فشارها در آینده بعد از جنگ یکجا به کابینه نتانیاهو منتقل خواهد شد، به طوری که بعید است این کابینه و به خصوص نتانیاهو بتوانند چندان در قدرت مانور دهند. از سوی دیگر بررسی وضعیت حماس بعد از آتش بس احتمالی و پایان جنگ در نوار غزه هم مهم به نظر می‌رسد به نظر اگر اسرائیل نتواند این نظامی حماس را تضعیف کند در آینده نه‌چندان دور حتی نمی‌تواند سخن از حذف این گروه که این روزها به کشتگر اصلی در صحنه فلسطین تبدیل شده است، بزند. آرمان ملی برای بررسی شرایط جنگ در غزه و اثرگذاری این شرایط بر آینده تشکیلات حماس با جعفر قنادباشی، کارشناس روابط بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است. وی معتقد است: «در گذشته حماس محدود به غزه می‌شد اما اکنون به صورت عجبیبی همه شهرهای کرانه باختری و حتی فلسطینی‌های ساکن در سرزمین‌های موسوم به ۱۹۴۸ نیز به حماس پیوسته‌اند و با حماس همکاری می‌کنند و نمونه عراق و سوریه هم گسترش یافته است و این نیروها که اقدامات سیاسی هم انجام می‌دهند پذیرفته‌اند که با حماس همکاری کنند لذا از نظر سیاسی حماس فرآیندی را طی کرده که تضعیف‌شدنی نیست. یکی دیگر از علت‌های از بین رفتن حماس محبوبیت حماس در نگاه جهانیان است. امروز دیگر اتهامی که غربی‌ها تحت عنوان گروه تروریستی می‌زدند دیگر از منظر جهانیان قابل پذیرش نیست. با این عملیات دیگران عنوان در منطقه ما قابل پذیرش نیست و در فلسطین هم هرگز نبوده است و از جهان نیز آن اصطلاح قابل پذیرش نیست و گروه‌های آزادی‌بخش در جهان اعلام کرده‌اند باید به حماس کمک شود.

◀ **برخی از تحلیلگران معتقدند بعد از این جنگ احتمالاً دیگر حماس و جود نخواهد داشت و از صحنه کشتگری در غزه خارج خواهد شد. آینده این تشکل سیاسی و نظامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سه نکته مهم در ارتباط با حماس وجود دارد که نشان می‌دهد حماس به هیچ‌وجه تضعیف‌شدنی نیست و همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. اولین نکته، توانمندی سیاسی حماس است. توانمندی این گروه از سنگ آغاز شده و به توانمندی نظامی رسیده است که می‌تواند پیچیده‌ترین برنامه‌ها و تجهیزات نظامی را به چالش بکشد. این فرایند روبه پیشرفت است. در موضوعات نظامی وقتی فرایند روبه‌روشد به وجود می‌آید؛ تضعیف آن دشوار است. چون ترتیبات مختلفی دست‌به‌دست هم داده و زمینه‌های مختلف داخلی، خارجی، آموزشی و انسانی در کنار هم قرار گرفته تا توانمندی نظامی را فراهم آورده است. مجموعه این عوامل در حال کمک کردن که افزایش توان حماس هستند لذا حماس برآیند مجموعه‌ای از نیروها، افراد و تصمیمات و سیاست‌هاست. زمانی می‌توان چنین مجموعه‌ای را تضعیف کرد که کل این مجموعه تضعیف شود و اینگونه هم نخواهد شد. چرا که انگیزه جنگیدن در تک‌تک فلسطینی‌ها از کوچک و بزرگ وجود دارد و این انگیزه هم از بین رفتنی

نیست لذا حماس یک برایند و نتیجه از عوامل مختلفی است که این عوامل همچنان وجود دارد. یکی از این عوامل خشم فلسطینی‌هاست. خشمی که از سوی افکار عمومی جهان هم پشتیبانی می‌شود. دلایل بعدی عدم در هم شکستن حماس به حوزه اثرگذاری حماس باز می‌گردد. در گذشته حماس محدود به غزه می‌شد اما اکنون به صورت عجبیبی همه شهرهای کرانه باختری و حتی فلسطینی‌های ساکن در سرزمین‌های موسوم به ۱۹۴۸ نیز به حماس پیوسته‌اند و با حماس همکاری می‌کنند و نمونه آن عملیات‌هایی است که در جنین، نابلس، تورکرم و حتی در بیت‌المقدس علیه صهیونیست‌ها در حال انجام است. با این عملیات هواداران حماس در فلسطین اشغالی افزایش یافته است. همچنین مورد سوم استحکام حماس و باقی ماندن آن در معادلات فلسطین به این مورد باز می‌گردد که همراهی در حماس با یمن و عراق و سوریه هم گسترش یافته است و این نیروها که اقدامات سیاسی هم انجام می‌دهند پذیرفته‌اند که با حماس همکاری کنند لذا از نظر سیاسی حماس فرآیندی را طی کرده که تضعیف‌شدنی نیست. یکی دیگر از علت‌های از بین رفتن حماس محبوبیت حماس در نگاه جهانیان است. امروز دیگر اتهامی که غربی‌ها تحت عنوان گروه تروریستی می‌زدند دیگر از منظر جهانیان قابل پذیرش نیست. با این عملیات دیگران عنوان در منطقه ما قابل پذیرش نیست و در فلسطین هم هرگز نبوده است و از جهان نیز آن اصطلاح قابل پذیرش نیست و گروه‌های آزادی‌بخش در جهان اعلام کرده‌اند باید به حماس کمک شود.

◀ **از منظر سازمان ملل چه؟ آیا سازمان ملل هم از این به بعد به عنوانی غیر از عنوان جعلی تروریست از حماس برای معادلات فلسطین یاد خواهد کرد؟**

سازمان ملل یک نهاد بین‌المللی است که در اولین اقدام خود با هرگونه اشغالگری باید مخالفت کند کما اینکه مشاهده می‌کنیم در مجمع عمومی که اتفاقات خوبی افتاد و همه کشورهای خواستار برقراری آتش بس شدند. لذا از منظر محبوبیت نیز حماس در بین گروه‌های سیاسی جهانی و مردم آزاد جهان و اجتماعات جهانی محبوب‌ترین گروه در جهان است. چراکه عملاً مشاهده می‌کنیم که در تمامی کشورها و در حمایت از فلسطین و حماس نظاره‌ات در حال وقوع است و هیچ گروهی در جهان هم اکنون به اندازه ملت فلسطین و حماس هوادار ندارند که هم پرچم او را در تجمعات بالا ب برند و همه به نفع آن تجمع کرده و شعار سر دهند و حتی هزینه بدهند.

چرا که در برخی از کشورهای جهان که پرچم حماس را بالا می‌برند یا پرچم فلسطین را بالا می‌برد، این اقدام در آن کشورها جرم تلقی می‌شود و افرادی که دست به این اقدامات می‌زنند، ممکن است مورد محکومیت قرار گرفته به طوری که در برخی از کشورهای جهان این افراد مورد مواخذه قرار گرفته یا زندانی و یا جریمه نقدی می‌شوند. در فرانسه ۵ سال و در انگلستان ده سال در استرالیا و کانادا نیز برای حمایت از حماس و جهاد اسلامی حبس در نظر گرفته شده است.

◀ **پس نه تنها از بین بردن بلکه سخن گفتن از تضعیف حماس هم درست نیست؟**

به دلایل فوق که اعلام شد حماس نه تنها از بین نمی‌رود بلکه تضعیف آن نیز بیشتر به طزن غیر واقع می‌ماند. آن هم طرنزی که عقلاً را به خنده درمی‌آورد لذا مشاهده می‌کنیم که حماس مستحکم ایستاده و می‌تواند اثرگذاری زیادی در معادلات فلسطین و حتی منطقه داشته باشد. به نظر من حماس حتی از برخی دولت‌های منطقه اثرگذارتر است.

◀ **با این نگاه چه آینده‌ای برای کل مقاومت در منطقه خصوصاً گروه‌های مقاومت در عراق، سوریه و یمن پیش‌بینی می‌کنید.**

در حال حاضر این گروه‌ها در منطقه به عنوان قدرت‌های اثرگذار در منطقه باید پذیرفته شوند. در گذشته این گروه‌ها فقط روی کاغذ تشکیل شده بودند و نامی از آنها بود اما اینکه گروه‌ها وارد فاز نظامی می‌شود بدان معناست که اثرگذار می‌شوند و باید اثرگذاری این گروه‌ها در محاسبات مختلف در نظر گرفت. آمریکایی‌ها در حال حاضر بدون در نظر گرفتن قدرت گروه‌های مقاومت نمی‌توانند دست به اقدامی در منطقه بزنند. آمریکایی‌ها نه از نظر سیاسی توانمندی مهار این گروه‌ها را دارند و نه از هیچ لحاظ دیگری. آمریکایی‌ها از افغانستان فرار کردند. این گروه‌ها در نیجر فرانسه را بیرون کردند. این در حالی است که آمریکایی‌ها حتی قدرت اثرگذاری در بین ملت‌های منطقه را هم از دست داده‌اند.

آرمان ملی

وزن کشتی سیاسی در اردوگاه اوسولگرایان

پیام یک قاب عکس ۳ نفره برای پایداری چی‌ها

با قطعی شدن ثبت‌نام نامزد‌های انتخابات مجلس آینده، رقابت‌های درون گروهی اوسولگراها بر برگزاری میتینگ‌ها و جلسات احزاب افزایش یافته است. آنچنان که طی یک هفته اخیر، اردوگاه اوسولگرا شاهد برگزاری دو همایش بود، یکسو مینا و سوی دیگر شریان. دو نام جدید در تشکیلات انتخاباتی اوسولگرایان که البته هر کدام وابستگی نزدیک به تشکیلات قبلی در جریان اوسولگرا یعنی شانا و پایداری دارند.

◀ **از شانا به مینا؛ از پایداری به شریان**

«مجمع بیداری نیروهای انقلاب» یا همان «مینا» در حالی طی روزهای گذشته علم انتخاباتی خود را در همایشی که گفته می‌شد ۴ هزار نفر در آن حضور داشتند بالا برد، که به نظر می‌رسد روی دیگر «شانا» باشد و حضور حدادعادل، محسن رضایی در کنار قالیباف مَهر تأیید بر این مدعاست.

«شریان» هم بدون شک روی دیگر سکه جبهه پایداری است و حضور جادشادگان از پایداری در این تشکیلات تازه تاسیس و تکیه زدن بذرپاش وزیر نزدیک به پایداری‌ها در رأس آن، بیش از آنکه تصویر یک تشکیلات جدید را به نمایش بگذارد، نوعی تقسیم‌کار بین این بخش از پایداری‌ها با تشکیلات قدیمی پایداری را نشان می‌دهد.

◀ **شورای وحدت دلغور شد، شریان و پایداری عصبانی!**

همایش «مینا»، اگرچه با دلخوری‌هایی از سوی شورای وحدتی‌ها همراه شد که معتقد بودند برخلاف آنچه از وحدت دعوت نشده است، اما از سوی دیگر با عصبانیت پایداری‌ها و شریان روبه‌رو شد. پایداری‌ها ز زمزمه‌وار عصبانیت خود را بروز دادند، اما شریان می‌پروا و علنی انتقادش به این همایش را رسانه‌ای کرد. آنچنان که چهره تندرو این تشکیلات یعنی حمید رسایی در یادداشتی نوشت «چرا این همایش به نام جمعیت پیشرفت و عدالت ایران اسرامی که دبیر کل آن هم احدیان است، برگزار نشد؟ چون نمی‌خواستند بگویند که این، تجمع یکی از احزاب عضو شورای ائتلاف و در طول آن است بلکه باید از یک «مجمع» جدید رونمایی می‌شد، برای مأموریتی که در عرض ائتلاف اوسولگرایان قرار می‌گیرد!» رئیس کمیته انتخاباتی «شریان» منتقد دیگر «مینا» است و معتقد است «شانا» با ترساندن اوسولگراها از جبهه پایداری و اصلاح‌طلبان و با اسم رمز وحدت، تلاش می‌کند از رقابت درون گروهی اوسولگرایان جلوگیری کند.

انتقادات «شریان»، به «مینا» به اینجا ختم نشد و برنامه فوری برای انجام همایشی مشابه و به فاصله کوتاه از «مینا» در دستور کار رسایی و بذرپاش قرار گرفت. «شریان» تلاش کرد دو هدف هم‌زمان را از بزگزاری «تجمع بزرگ غزه؛ مظلوم مقتدر» دنبال کند. هدف اول اجرای برنامه‌ای حول جنگ غزه، تا پاسخی باشد به نشست اصلاح‌طلبان با عنوان «فلسطین در سیره نظری و عملی امام خمینی» که با حضور سید حسن خمینی، محمد جواد ظریف، معصومه ابتکار، محسن مهرعلیزاده، مجید انصاری، حسین علایی، برگزار شد و هدف دوم خط و نشان کشیدن برای مینا و فاصله‌گذاری سیاسی – انتخاباتی با «مینا» با دعوت از محمد حسن رحیمیان، حمید رسایی، مهرداد بذرپاش، سعید قاسمی بود. همایشی که به رغم حضور اعضای برجسته «شریان» با استقبال مواجه نشد و تصاویر حضور کم‌رنگ حامیان شریان، دستمایه نقد اوسولگراها به شریان شد. البته این تنها روبراویی همایشی دو طیف اوسولگرا نبود و شریان در خط و نشان کشیدن برای طیف نزدیک به قالیباف و حدادعادل فراتر از پایتخت هم پیش رفته است و همایش‌های انتخاباتی مشابهی در سمنان به وزن کشتی دو جریان اوسولگرا انجامید.

◀ **اشتباه استراتژیک شریان**

همایش کم جمعیت شریان، اما بهانه را به دستی حامیان مینا و شانا داد تا صریح‌تر به نقد این طیف نوظهور سیاسی که پشتوانه پایداری‌ها را دارد، بپردازند. آنچنان که روزنامه صبح نو، ضمن تأکید بر کم تعداد بودن حضاران در این همایش نوشت: «مدام استقبال از کارزار انتخاباتی «شریان» در اولین رویدادش چند جلوه از راهبردها و نمودار «هزینه و فایده» شریانی‌ها را نشان داد. اولاً نمودار هزینه و فایده این رویداد را با توجه به حجم تبلیغات مربوط به آن، می‌توان در ناحیه منفی و ضررده ترسیم کرد. دومین اشتباه استراتژیک «شریان» هم این بود که به این مساله که جریان مقاومت و حماسه‌سازان غزه را نباید در حد مسائل جناحی تقلیل داد، بی‌توجه بودند. این روزنامه نزدیک به قالیباف شریان را روی دیگر جبهه پایداری دانست و تأکید کرد: «شریان که در واقع همان نسخه به‌روز شده پایداری است، ژست اعتراضی به وضع موجود را به شکل عامیانه‌تر و جوان‌پسندانه‌تر در برنامه خود گنجانده است، حال آنکه چهره‌های اصلی آن در دولت سمت دارند. اما یابگام و مقبئه‌اش و از سوی دیگر شعارها و تأکید مبنی بر انتخاب صلح و نگاه‌شان به تحولات جامعه کمانگیزه شده است.» در بخش دیگری از این مطلب نیز آمده است؛ «بخش عظیمی از عدم استقبال از «شریان» را می‌توان به این دلیل دانست که جوانانی که شریانی‌ها از آن‌ها نام می‌برند، تازه‌حال رزومه جدی و ممتازی از خود نشان نداده‌اند. نکته قابل توجه اینجاست که برآیند نمودار چنین شخصیت‌هایی تا همین حد بضاعت سیاسی و مشارکتی دارد.»

◀ **شریان روی ریل شکست**

اما همایش کم تعداد شریان، تنها شکست آنها مقابل مینا نبود. قرار گرفتن محسن رضایی در قاب عکسی که در آن حدادعادل و قالیباف نیز داشتند، سیگنالی مهم از سوی مینا به شریان و پایداری بود. حضور محسن رضایی در همایش مینا درحالی صورت گرفت که پیش‌تر خبرها از تلاش شریان برای جذب او حکایت می‌کرد. دنیای اقتصاد پیش‌تر خبر داده بود که جریان شریان می‌خواست با ترغیب رضایی به حضور در انتخابات او را در مقابل قالیباف برای ریاست مجلس قرار دهد، تلاشی که یکسری از تحولات از جمله نه گفتن رضایی به آنها، منجر به ناکام ماندن شریان شد. «نه» گفتن محسن رضایی به نوعی باگیری پایداری و شریان مقابل قالیباف را تا اینجای کار با شکست روبه‌رو کرده است.

^[1] این همایش کم جمعیت شریان، اما بهانه را به دستی حامیان مینا و شانا داد تا صریح‌تر به نقد این طیف نوظهور سیاسی که پشتوانه پایداری‌ها را دارد، بپردازند

^[2] این همایش کم جمعیت شریان، اما بهانه را به دستی حامیان مینا و شانا داد تا صریح‌تر به نقد این طیف نوظهور سیاسی که پشتوانه پایداری‌ها را دارد، بپردازند